DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7

گفتاری درباره جوامع حدیثی و سفینة البحارـ آیت الله سید احمد روضاتی،

حمید سلیم گندمی

علمی- ترویجی

فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**

سال هجدهم، شماره ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۰۵-۱۳۲

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

گفتاری درباره جوامع حدیثی و سفینة البحار

آیت الله سید احمد روضاتی

ترجمه: حمید سلیم گندمی*

چکیده: در این گفتار، پس از بیان ضرورت رجوع به حدیث و تاریخ مختصر تدوین منابع حدیثی، منابع اصلی حدیث شیعه به سه دورهٔ جوامع اولیه و ثانویه و متأخّر تقسیم شده و برای هر دوره چند نمونه بیان می‌شود. آنگاه کتاب بحارالانوار را وصف می‌کند و پس از آن سفینة البحار را می‌شناساند. در ضمن معرفی این کتاب، شرح حال و آثار شیخ عباس قمی را توضیح می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: روضاتی، سید احمد؛ سفینة البحار (کتاب)؛ قمی، عباس؛ تاریخ حدیث شیعه؛ منابع حدیث شیعه؛ بحار الانوار (کتاب).

*. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دانشجوی دکتری واحد تهران شمال

salimh1343@gmail.com

پیشگفتار مترجم

یکم. شرح حال مختصر مؤلف:

آیة الله سید احمد روضاتی اصفهانی فرزند حاج سید محمدباقر از نوادگان سید محمدباقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است که نسب او به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رسد. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق. در اصفهان به دنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید در سال ۱۳۶۳ ق. به تحصیل علوم دینی پرداخت. مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خواند. در سال ۱۳۶۷ ق. به قم رفت، در محضر علمای بزرگ حوزه قم درس آموخت. پس از آن به در سال ۱۳۸۹ ق. به تهران رفت که تا پایان عمر خود در تهران ماندآثار فراوان به خصوص در زمینهٔ تراجم، عقاید، فقه و اصول دارد که اکثر آنها چاپ شده است. بیش از بیست تن از عالمان شیعه در ایران و عراق و لبنان به ایشان اجازهٔ روایت داده‌اند.

برخی از آثار ایشان در اینجا یاد می‌شود:

۱. المستدرکات علی روضات الجنات. مفصل‌ترین تعلیقات بر روضات الجنات، که یک مجلد آن چاپ شده است.

۲. تصحیح متن و تعلیقات فراوان بر «مناهج المعارف» جدش میر ابوالقاسم کبیر (متوفی ۱۱۵۷ق.) شاگرد علامه مجلسی در باب عقاید به زبان فارسی در ۱۰۵۶ صفحه که همراه با رساله‌ای در ۳۲۴ صفحه در باب شرح حال عالمان خاندان روضاتی در سال ۱۳۵۱ ش. منتشر شده است. (نام دیگر آن: فرهنگ عقاید شیعه).

۳. چند کتاب در شرح حال دانشوران شیعه به خصوص عالمان خاندان، مانند: موقظ الأعلام (۳ جلد)، المشایخ و الأساتذة، محاسن الإجازات فی سلسلة الروایات، سیرة صاحب الروضات، علماء الأسرة.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

۴. کتابهایی فارسی مختصر در باب عقاید که در زمان اقامت تهران و امامت مسجد الرحمن نوشته و با عنوان کلی «ندای شیعه» انتشار داد، مانند: گفتگوی شیعه و سنی، پاسخ پرسشها (۳ جلد)، چرا ما باید فقط شیعه باشیم؟

۵. تحقیق و تعلیق برخی از آثار دانشمندان پیشین در زمینه‌های مختلف، مانند: کتاب «النهریه» که (شامل چهار رساله فقهی، چاپ ۱۳۷۷ق.)؛ کتاب «زواهر الجواهر» (چاپ ۱۳۷۹ ق.)؛ کتاب «میزان‌الانساب» تألیف جد وی مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد هاشم چهار سوقی (چاپ ۱۳۷۳ق.)؛ کتاب «فوائد منطقی» تألیف اسفرائینی (چاپ ۱۳۸۵ ق. اصفهان)؛ صحیفه سجادیه (چاپ عکسی از روی نسخهٔ میر ابوالقاسم کبیر با مقدمه تحقیقی).

۶. یک سلسله مقدمه تحقیقی که هر کدام را می‌توان یک رساله به شمار آورد؛ بر کتابهایی مانند: صحیفه سجادیه، سفینه البحار محدث قمی؛ رسائل شیخ انصاری؛ حاشیه قوانین.

۷. سلسله مقالات «شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان» که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون منتشر شده است (چاپ اصفهان، شماره ۱۴۲ تا ۱۵۵).

۸. چند کتاب در فقه و اصول که تاکنون چاپ نشده است، مانند: السبیل المسلوك فی اللباس المشکوك؛ مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول؛ رساله در عدالت؛ سیر علم الاصول فی مختلف العصور.

۹. ترجمهٔ فارسی برخی از آثار عالمان شیعی مانند مسکّن الفؤاد شهید ثانی و بخش سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.

ایشان در هفتم مرداد ۱۳۸۰ شمسی (۱۴۲۲ ق.) درگذشت و در باغ رضوان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

اصفهان به خاک سپرده شد.[1]

دوم. در بارهٔ این متن:

۱. اصل این متن، مقدمه مؤلف بر سفینة البحار چاپ سنائی تهران (سال ۱۳۸۲ق.) است که دار المرتضی و مؤسسة الوفاء لبنان بطور افست منتشر کرده‌اند.

۲. مؤلف، در یک تقسیم ابتکاری که در کتابهای تاریخ حدیث تاکنون دیده نشده، جوامع حدیثی شیعه را ذیل سه قسم تنظیم و معرفی کرده است: جوامع اولیه، جوامع ثانویه و جوامع متأخر.

۳. وی ضمن معرفی جوامع، برخی جوامع حدیثی غیرمشهور را که هنوز چاپ و منتشر نشده‌اند معرفی کرده است مانند جوامع الکلام فی دعائم الاسلام به طریق اهل بیت علیهم‌السلام نوشته سید محمد مشهور به سید میرزا جزائری و کتاب حدیثی لواءالحمد نوشته مرحوم سید صدرالدین صدر.

۴. با برخی مؤلفان جوامع و مصادر حدیثی متأخر، معاشرت داشته، بدین روی اطلاعات مستقیم و درجه اول در مورد این منابع می‌آورد.

۵. فهرست آثار چاپ شده و آثار چاپ نشده محدث قمی را بر اساس آخرین اطلاعات تا زمان نگارش این متن به ترتیب الفبای عنوان آورده است.

***

مقدمه مؤلف

حمد و سپاس مخصوص خداست، و سلام و درود بر رسول خدا و بر خاندانش، و سلام و درود بر راویان احکام الهی باد.

خورشید درخشان اسلامی در افق شرق پدیدار گشت و همهٔ عالَم را از پرتو

۱. این شرح حال، عمدتاً بر اساس خودنوشت مرحوم روضاتی (صفحات ۲۶۰ تا ۲۷۰ مقدمه مناهج المعارف) نوشته شد و مطالب از منابع دیگر بدان افزوده شد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

انوارش روشن ساخت و در سایه اشعه‌های نورانیش گسترش پیدا کرد، در زمانی که عالَم در جهل و توحّش و بربریت غوطه‌ور بود، همان دنیایی که ظلم و ستم بر اهل آن چیره شده بود و در بین افراد عالَم دشمنی رایج و شایع شده بود. این همان جهانی بود که از عدالت اجتماعی فاصله زیاد گرفته بود و برای افراد جامعه انسانی هیچ نصیب و بهره‌ای از انسانیت و مدنیّت، در آن متصوّر نبود. در چنین دوران حسّاسی، پیامبر اسلامﷺ ظهور کرد و دل‌های مردم را به قرآن کریمش و سخنان گهربارش و از طریق احادیثی که در گفتگوها و مجالس دینی بر مردم القاء می‌کرد، زنده گردانید.

گاهی پیامبرﷺ را می‌بینی که به مخاطبی از اعراب می‌گوید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» و مردم را با وجود اختلاف طبقاتی و روشهای مختلف در شرک و کفر، به توحید و رها کردن جبت و طاغوت فرا می‌خواند.

گاهی مردم را با این سخن «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» به تحصیل علم و عمل به آن تحریص و تشویق می‌کند. و گاهی او را می‌نگری، در حالی که با این سخن خداوند تعالی «و لا تقتلوا النفس التی حرم الله الا بالحق» از قتل و جنایت باز می‌دارد. و گاه او را در جایگاهی می‌یابی که بر اساس سخنان خداوند بزرگ «و أن تعفوا أقرب للتقوی» و «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» برای تحکیم مبانی عدالت اجتماعی می‌کوشد. او را می‌بینی، در حالی که بر روی منبر نشسته و این سخن خدای تعالی را قرائت می‌کند: «و لا تنسَ نصیبک من الدنیا» و «احسن کما احسن الله الیک»، و مردم را به مسیر پیشرفت در تمدن و سیر در هر آنچه برای پیشرفت هر مسلمانی در امور دنیوی ضروری است، امر می‌کند و از تنبلی و از زخارف دنیایی و لذائذ آن نهی می‌کند؛ و این وضعیت وخیم را با این سخن خدای تعالی هشدار می‌دهد: «قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

گزافه و مبالغه نیست، اگرصریح و آشکارا بگویم: درهای دین اسلام بر پویندهٔ راهش گشوده است. دین اسلام میدانی فراخ گسترانیده تا پیشرفت و تمدنی جدید برای نسل‌های نو به ارمغان آورد. دین دائره بسته‌ای نیست و بسیار گسترده است؛ اما نه به آن معنا و مفهومی که برخی از جوانان ما که در وابستگی به تمدن جدید افراط دارند، برداشت می‌کنند، بلکه در محدوده متابعت از کتاب و سنت و فقه شیعه، چرا که تعالیم عالیه اسلام برای زمان‌های طولانی وضع شده و جاودانه خواهند ماند و همه عصرها و دوره‌ها از پرتو انوار آن بهره‌مند می‌شوند.

اسلام یگانه دین در بین همه ادیان است که در تعالیم ارزشمندش، عقبه‌ها و مسیرهای بسیاری یافت می‌شود که به عنوان مانع در برابر فسق و فجور قلمداد می‌شود، یعنی فسق و فجورهایی که برخی از مردم به آنها تمایل نشان می‌دهند. همین افتخار برای اسلام کفایت می‌کند. اسلام، انسان را تقدیس کرده و بسیار گرامی داشته است، تا مرد به ازدواج ترغیب شود و بر اساس دستورات شرعی و قانونی، از زنا، بپرهیزد. همان زنا که امروزه در میان جوانان پسر و دختر ما به نام تمدن و آزادی شیوع پیدا کرده است. اسلام آن دینی است که اغلب مسائل اجتماعی را که غربی‌ها پیوسته درگیر آن مسائل هستند، با عقل بلند و عدالت محور حل کرده است.

خلاصه اینکه پیامبرﷺ، در صحرای وسیعی که در آن روزگار، حجاز نامیده می‌شد، برای اصلاح مفاسد رفتاری شایع در بین امت به پا خاست و همان اصلاح اخلاق را به عنوان هدف غائی نبوتش قرار داد، تا جایی که در کلمات گهربارش می‌فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»

دکتر شبلی شمیّل مادّی گرای معروف چه زیبا گفته: «در قرآن، اصول اجتماعی عمومی وجود دارد که برای استفاده در هر زمان و مکانی شایسته و نیکوست؛ حتی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

در مورد زنان که آنان را به پاکدامنی مکلّف داشته و بر مردان واجب کرده که یکی از زنان را به ازدواج خود در آورند، در زمانی که امکان رعایت عدالت را نداشته باشند. قرآن برای سعادت بشر در دنیا و آخرت مسیرها و راه‌های تلاش و تعالی روح را گشوده است در حالی که دیگر ادیان آن راهها را بسته‌اند و وظیفه بشریت را در زهد و دل کندن از این دنیای فانی محدود کرده‌اند».

از سوی دیگر، مسلمانان به احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، نیاز جدّی داشتند. بدین روی، از زمان حیات حضرتش برای گردآوری احادیث پراکنده آن گرامی اقدام می‌کردند. وقتی قوانین و مقررات کاملی مرور شود که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم برای سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان آورده است - که نمونه‌هایی از آن قوانین را به صورت فهرست اجمالی ذکر شد -، متوجه می‌شویم این قوانین نه منحصر به قرآن کریم هستند و نه همه آنها در سنت نبوی موجودند؛ بلکه کلیاتی از آن مسائل در قرآن ذکر شده و جزئیات آنها در اخبار و احادیثی روایت شده که به سند معتبر و عالی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام آمده است. به همین دلیل پیامبر در حدیث متواتر بین فریقین شیعه و سنی معروف به حدیث ثقلین می‌فرمایند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی.... تا آنجا که فرمودند: انهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض». پس قرآن و حدیث، همواره شانه به شانه و کنار در کنار یکدیگرند و هیچ کدام از دیگری بی‌نیاز نیست، بلکه در غالب موارد تفسیر یکی از آن دو بدون وجود دیگری امکان ندارد.

بدین روی محدثان و عالمان همّت کردند. بخصوص با توجه به این سخن پیامبر که فرمود: «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا مما یحتاجون فی امور دینهم بعثه الله یوم القیامة فقیهاً عالماً» برای گردآوری و حفظ حدیث نبوی بیشتر تشویق و تحریص می‌شدند، به نحوی که در زمان امام جعفر صادق علیه السلام شمار آنها به ۴۰۰ نفر می‌رسید. اینان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

مؤلفان و صاحبان چهارصد تصنیف حدیثی شدند که در اصطلاح محدثان و رجالیون به «اصول اربعمائه» نامیده می‌شدند.

یکی از امتیازاتی که برای این اصول و مؤلفان آنها برشمرده می‌شود، این است که اصحاب حدیث برای آنها اعتبار و جایگاه خاصی قائل بودند و از طریق قرائت و روایت و حفظ و تصحیح، توجه بسیار به آنها، و فضیلت دادن این مصنفات بر سایر تصنیف‌ها، اهتمام زیادی به آنها نشان می‌دادند. البته با توجه به اینکه بیشتر این اصول از طریق گزارش مجالس و در پاسخ به مسائل مختلف (جوابات المسائل) و در ابواب مختلف و متفرق فقه و اصول جمع‌آوری شده بودند، مرتب و منقّح و مهذّب نبودند. به همین دلیل، فقها و محدثان از زمان‌های قدیم تا کنون با هدف تسهیل در بهره برداری و سهولت استفاده از کتب حدیثی، به جمع و ترتیب و تهذیب احادیث به روش فنی گرایش پیدا کردند.

جوامع اولیه

شیخ بزرگوار، محدث پیشکسوت، رئیس محدثان، شیخ محمدبن یعقوب کلینی متوفای ماه شعبان سال ۳۲۹ق. معروف به سال «تناثرالنجوم» جامع حدیثی خود را با عنوان **الکافی** تألیف کرد.

شهید اول در اجازه‌اش به شیخ علی بن خازن حائری در موردکتاب کافی گفته: «کتاب کافی در حدیث که در شیعه امامیه مانند آن نوشته نشده است». علامه حلی در خلاصهٔ الاقوال گفته: «کافی را در ۲۰ سال تألیف کرد». بعد از کافی، شیخ محدّث متبحّر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ کتاب جامع خودش من لایحضره الفقیه را تألیف کرد و بعد از آن شیخ فقیه محدث اصولی محقق دقیق، شیخ محمدبن حسن طوسی متوفای سال ۴۶۰ق. دو کتاب خود التهذیب و الاستبصار را نگاشت. سید استاد ما خاتم الفقهاء والمجتهدین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی اعلی الله مقامه الشریف در مجلس درس خود، از کتب اربعه با عنوان «جوامع اولیه» تعبیر می‌کرد و من چندین نوبت، این تعبیر را از ایشان شنیدم.

جوامع ثانویه

بعد از گذشت چندین قرن متوالی، عده‌ای از بزرگان علماء کتابهایی در حدیث گردآوردند که استاد ما سید حسین طباطبایی بروجردی با عنوان «الجوامع الاخیره» از آنها تعبیر می‌کرد و ما برای تناسب با جوامع اولیه، از آنها با عنوان «الجوامع الثانویه» تعبیر می‌کنیم. این کتابها چنین است:

اول: کتاب «جوامع الکلم» از سید علامه میرزا محمدبن سید شرف‌الدین علی جزائری. وی از مشایخ صاحب بحار و صاحب وسایل و سید محدث جزائری و دیگران است و کتابش تا کنون چاپ نشده است.[۱]

دوم: کتاب «تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» تألیف شیخ محدث متبحّر شیخ محمدبن حسن حرّ عاملی. کتابی بسیار مفید که از زمان تألیف تاکنون، یکی از مصادر فقاهت و استنباط برای عموم اهل علم است.

سوم: کتاب «الوافی» تألیف علامه محقق جامع مولی محمد محسن فیض کاشانی است.

چهارم: کتاب «بحارالانوار» تألیف علامه متبحر مولی محمد باقر مجلسی است.

شگفت اینکه مؤلفان این جوامع، همگی محمد نام داشتند و همه آنها از بلاد عجم بودند.

جوامع متأخر

جوامع متأخر، از نظر ما به پنج کتاب از متأخران و معاصران اطلاق می‌شود،

۱. در بارهٔ آن مقاله‌ای در سفینهٔ شماره ۳ منتشر شده است. تحقیق این کتاب به پایان رسیده و در آستانهٔ چاپ است. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

شامل:

اول: کتاب «مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل» از علامه محدث رجالی خبیر، حاج میرزا حسین نوری متوفی سال ۱۳۲۰ق.

دوم کتاب «مستدرک البحار» از تألیفات علامه متبحّر پژوهشگر شیخ ما در اجازه روایت، شیخ میرزا محمدبن رجبعلی طهرانی عسکری مقیم سامراء. که در همانجا در روز دوشنبه ۲۸ جمادی الاولی (روز خورشید گرفت) سال ۱۳۷۱ق. درگذشت. در آن روز کسوف خورشید واقع شد، به گونه‌ای که تمام قرص خورشید ناپدید شد و روز روشن به شب ظلمانی و تاریک تبدیل شد. میرزا حبیب الله اصفهانی ادیب متخلص به نیّر در رثای این دانشمند چنین سرود:

شجانا دهرنا و العیش نکد لرحلة عالم حبر مسدّد
مضی بدرالمضییء و فخر طهران توفّی آیة الله الممجّد
دعاه المستجار الی جواره و مسکنه بسامراء ابّد
کسوف الشمس محسوساً و معنی یُری فی فقد ذا المولی المؤیّد
اراد النّیّر التّوضیح للفوت ففی الاثنین روح منه تسعد
فلمّا نقّص الاثنین ارّخ اَوی فی الرَّوض مولانا محمّد

که به حساب ابجد، سال ۱۳۷۱ می‌شود.

وی از شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی بزرگ و ملا حسین قلی همدانی و مولی فتحعلی سلطان آبادی و حاج میرزاحسین نوری بود. ایشان به همه مجلدات بحار استدراک نوشت و کتابش را در ۲۶ جلد نگاشت. توفیق رؤیت نسخه خطی اصل به خط شریف مؤلف در کتابخانه عمومی در زمان تشرف به عتبات عالیات نصیبم شد. شیخ ما علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی سلمه الله تعالی در الذریعه ج ۳ ص ۲۷، به آن اشاره کرده و چنین گفته: «مستدرک البحار یکی از آرزوهای علامه مجلسی بود که مکرراً به آن وعده داده بود، ولی اجل به ایشان مهلت نداد. در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

روزگار ما بر بسیاری از ابواب تمام مجلدات آن و خصوصاً بر مجلد اجازات آن استدراک نوشته شد، به نحوی که استدراک بر بحار به چهار مجلد بزرگ رسید، همچنان که در ذیل عنوان اجازات، آن را ذکر کردیم».

شیخ ما علامه معاصر حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (متوفای سال ۱۳۶۹ ق.) در کتاب «العبقری الحسان» (بخش دوم با عنوان المسک الاذفر، ص ۹۷) از بعضی مجلدات این کتاب شریف نقل کرده و کلام ارزشمندی پیرامون منزلت و ارزش مؤلف مرحوم آن نوشته است. بدان کتاب رجوع کنید.[۱]

الحق که ایشان شایسته این بود که بر بحار استدراک بنویسد، چرا که ایشان از نوادگان علامه مجلسی بود، همچنانکه در نامه مورخ ۲۳ ذی القعده الحرام ۱۳۶۹ ق. به خط شریف خودش برای ما این چنین نوشت: «انتساب حقیر به علامه مجلسی، از طرف جدّ مادری‌ام، سید عابد زاهد سید ابوالقاسم حسینی است که ازطرف پدر، حسینی و از طرف مادر طباطبائی است. ایشان به من می‌گفت که مادرش از نوادگان علامه مجلسی است و از زمان ولادتش تا این تاریخ (سال ۱۳۶۹)، ۱۴۰ سال گذشته بود. همچنین می‌گفت که جدّش سید اسماعیل در تخت فولاد اصفهان مدفون است. به هر حال شاید والده مرحومه‌اش از نوادگان علامه مجلسی بود».

این شیخ جلیل، از مشایخ اجازه بسیاری از علمای آن روزگار بود و به خط شریف خودش، اجازه‌ای برای ما در دوازدهم ماه ربیع الاول سال ۱۳۶۹ قمری نوشته است.

سوم: کتاب «مستدرک المستدرک فی استدراک ما فات عن صاحب المستدرک»

۱. بهره‌گیری مرحوم نهاوندی از سیزدهمین مجلد مستدرک البحار، عمدتاً در بارهٔ افرادی است که توفیق تشرّف به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه یافته‌اند. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

از تألیفات سید علامه فقیه اصولی محقق، یکی از زعمای بزرگ شهر قم در این اواخر، شیخ ما در روایت و استاد ما، علامه سید محمد حجت کوه کمری تبریزی (متوفای ۱۳۷۲ق.) است. من در ایام اقامتم در قم توفیق رؤیت دو جلد از نسخه‌های خطی اصلی در نزد مؤلف گرانقدرش را یافتم. او به خط شریف خودش اجازه‌ای برای ما در ۱۲ ماه رجب سال ۱۳۶۹ نوشت. کتاب «جامع الاحادیث و الاصول» نیز از تألیفات ایشان است که من آن را ندیده‌ام و دوست فاضل معاصر ما [میرزا محمد علی مدرس تبریزی] – رحمت خدا بر او بود – در ریحانه الادب ج ۱ ص ۳۱۰ آن را ذکر کرده است.

چهارم: کتاب الجامع الکبیر معروف به «لواء الحمد» از تألیفات علامه بزرگ فقیه مجتهد اصولی محقق با تقوا، شیخ ما در روایت، حاج سید صدر الدین صدر، یکی از پیشوایان بزرگ دینی در حوزه قم، متوفای سال ۱۳۷۳ و از شخصیت‌های بارز و شاخص اسلامی است که نظیر ایشان در عالم اسلامی بسیار کم است. وی علم و عمل و اخلاق را جمع کرده و من ایشان را مصداق انسان کامل یافتم، چرا که او رحمة الله علیه هرآنچه را که متعلق به خودش بود، در همه شئون در راه ترویج دین و حمایت مسلمین بذل و بخشش کرد. خداوند مقامش را عالی گرداند.

مؤلف درکتاب «**لواءالحمد**» روایات نبوی ﷺ در همه ابواب فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و مستحبات و آداب را از طریق عامّه و خاصه گردآورده است. این کتاب در موضوع خودش کتابی ابتکاری است که هیچ کس در شیوه تألیفِ مانند آن بر او پیشی نگرفته است. او خود در این اواخر به من می‌گفت: «برای کتابم مقدمه‌ای مبسوط قرار دادم که دارای فواید بسیاری است و پیرامون حدیث ثقلین و دلالت آن به تفصیل سخن گفته‌ام، به گونه‌ای که برای خصم الزام‌آور باشد و گریزی برای برادران اهل سنت ما به جز پیروی از امامان شیعه باقی نمی‌گذارد.»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

شاید به همین دلیل و یا به دلایل مشابه دیگر، کتابش را «لواء الحمد» نامگذاری کرده است. ناگزیر باید به این نکته ظریف اشاره کنم تا حقیقت نامگذاری عنوان کتاب روشن شود و از وجه تسمیه عنوان کتاب پرده‌برداری شود. آن نکته این است: در احادیث شیعه، روایات بسیاری پیرامون لواء الحمد وارد شده است، همان لواء و پرچمی که در روز قیامت به دست امام علی علیه‌السلام است. علامه مجلسی در بحار الانوار آن روایات را آورده و محدث قمی نیز آنها را ذکر کرده است (سفینه البحار ج۲ ص ۵۱۷). من دوست می‌دارم در اینجا کلام دقیقی را بیان کنم که بر مبنای تحقیق و پژوهش دستیاب شده است. این کلام از محدث متکلم فیلسوف عارف مشهور، ابن ابی جمهور احسایی در کتاب المجلی ص ۳۰۶ و ۳۰۷ در مورد لواء الحمد، در دو عنوان اوای صوری و لوای معنوی است: «بر اساس مضمون احادیث صحیح، لواء صوری همان جسم معروف است که خداوند تعالی در روز قیامت آن پرچم را به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عطا می‌کند و آن را در مقابلش حمل می‌کند. مسیر سایه آن ۵۰۰ سال است که همه مخلوقات در سایه آن قرار می‌گیرند و به آن پناه می‌برند. بنا بر نصّ روایت، حامل آن پرچم در آن روز علی علیه‌السلام است که پیشاپیش پیامبر، پرچم را در دست گرفته به طرف بهشت حرکت می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: یا علی انت حامل لوائی یوم القیامة. و اما لواء معنوی، مراد از آن مرتبه کلیّه مشتمل بر همه مراتب کمال است، چرا که عظیم‌تر و جلیل‌تر از آن به جهت شدّت امتداد و قدرت احاطه‌اش وجود ندارد، به گونه‌ای که همه موجودات کمال خود را از آن بر می‌گیرند. پس هر کمال و جمالی در عالم معانی یا در عالم صورت، از همان مرتبه مستفاد می‌شود و در آن محو می‌گردد. پس لواء الحمد، جامع همه خصال پسندیده است. همه انسانها از حضرت آدم و دیگر اولاد بشر، برای استفاده از کمال آن در زیر آن قرار می‌گیرند و علی علیه‌السلام حامل آن لواء است، زیرا هیچ یک

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

از اصحاب و انساب، توان حمل اسرار این مرتبه را ندارند، به جز علی علیه‌السلام».

من می‌گویم: علامه صدر با نامگذاری کتابش به همه فرق اسلامی اشاره دارد که ناچار از آمدن به زیر لواء علی علیه‌السلام و ناگزیر از عمل به ثقلین برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت هستند و این معنی بسیار لطیف است. از خداوند توفیق نشر این اثر نفیس را برای اهل خیر به جهت خدمت به دین مسئلت داریم. این سید بزرگوار نسبت به من رؤوف و مهربان بود و در سال ۱۳۶۸ ق. برای من اجازه‌ای نوشت.

پنجم: کتاب «جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه» است؛ تألیفی بی‌نظیر در بین کتب حدیثی، از امام عَلَمَ مجتهد کبیر فقیه اصولی رجالی محقق مدقق که مادر روزگار از اینکه مانندش را در جامعیت و تحقیق و حافظه و اتقان و سرعت انتقال و ورع و تقوی و احتیاط شدید در امور دین و دنیا بزاید، عقیم مانده، پیشوای شیعه و رکن بزرگ تشیع، حاج سیدحسین طباطبائی بروجردی اعلی الله مقامه.

آن بزرگ مرد، از زمان‌های قدیم به این مطلب می‌اندیشیدکه کتاب وسایل الشیعة شیخ حر عاملی، که خود از اهمّ مصادر فقه و اجتهاد است، با همه جایگاه و شأن بزرگ در بین کتب حدیثی، از نقائص و عیوب خالی نیست. لذا کار استنباط برای طلاب فقه جعفری سخت و دشوار شده است. لذا برای هر کسی که در پی گمشده علمی‌اش در مسیر دستیابی به ادله باشد، باید امکان دسترسی فراهم شود و مسیر روشنی برای سهولت در مسیر فقاهت، از قبیل تحقیق و تفحّص در همه مخصّصات، مقیّدات، معارضات، مؤیّدات و سایر نکات دیگر فراهم شود. من در سال ۱۳۷۰ق. در مجلس درس ایشان حضور داشتم، همان زمانی که این ایده درخشان را در ضمن مباحث فقهی با شاگردان فاضلش -که تعداد آنها به حدود هزار تن می‌رسید- مطرح کردند. به همین منظور ایشان امر کرد تا شاگردانش برای مشورت پیرامون این موضوع در منزلش حضور یابند. من هم در آن مجلس شریف حضور داشتم و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

از زبان ایشان رحمه الله، افکار عمیق و نظریات دقیقش را پیرامون نقایص کتاب وسایل شنیدم که بالغ بر یازده نقص را بر شمردند و من آنها را در چند ورق یادداشت کرده بودم. سپس بعد از چاپ کتاب، تعداد نقائص را بالغ بر ۲۳ مورد دیدم. ایشان برای شروع تألیف، تعدادی از شاگردان فاضلش را به حضور نزد خویش فراخواند و گردآوری نسخه‌های نفیس خطی کتاب‌های حدیثی از سرزمین-های مختلف اسلامی برای تصحیح و مقابله را در دستور کار قرار داد و در این راه، بیش از یک میلیون تومان هزینه کرد، تا جایی که در سال ۱۳۷۴ ق. از اصل تألیف فراغت یافته و مطالعه و مرور توسط خود ایشان و آماده‌سازی برای چاپ باقی ماند. اگر زعامت عالیه و شخصیت عظیم و با نفوذ ایشان نبود، اتمام این کار بزرگ برای احدی امکان‌پذیر نبود.

نهایت آرزو و هدف ایشان این بود که مجلد اول کتاب را در زمان حیات خودش برای چاپ آماده سازد، ولی متأسفانه قبل از اینکه مجلد اول از چاپخانه خارج شود، در سیزدهم ماه شوال سال ۱۳۸۰ ق. مرگ ایشان فرا رسید و با فوت ایشان قیامت کبری به پا شد و به واسطه آن ثلمه بزرگ، در جهان اسلام لطمه‌ای به وجود آمد که با وقوع آن، انواع بلایا و سختی‌ها به عموم اهل علم در همه طبقات وارد شد. با مرگ ایشان ارکان اسلام و مسلمین مضطرب شد و بعد از ایشان فرزندان معنوی ایشان یتیم شدند و توسط ایادی کافر و فاسق، دشمنان دین و وطن مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و مضروب، مجروح و کشته شدند. فعجل اللهم فی فرج ولیّک المنتظر صلوات الله علیه. خدایا در فرج ولیّ منتظرت که درود خدا بر او باد، تعجیل فرما تا از دشمنانت انتقام بگیرد.

در محضر این استاد بزرگ شش سال درس خواندم و از ایشان درخواست اجازه روایت کردم، که یک نوبت در ۲۵ ذی الحجه ۱۳۶۹ق. و نوبت دیگر در ۱۴ شوال

۱۳۷۷ ق. برای من اجازه روایت صادر کردند. جلد اول کتاب جامع الاحادیث ایشان، در همین ایام از چاپ خارج شد، توفیق اتمام آن را از درگاه خداوند منّان و کریم به فضل و کرمش مسئلت داریم.[۱]

سخنی در باره بحار الانوار

سعادتی است که انسان در آستانه این درگاه بایستد و در پیشگاه این عظمت کرنش کند در حالی که اعتراف به عجز بهتر از آن است که انسان بیهوده سخن براند، توصیف کننده در عظمت و بزرگی شأن آن چی می‌تواند بگوید؟ در وصف عظمت و علو مقام چنین کتابی چه می‌توان گفت؟ نویسنده در این باب چه می‌تواند بنویسد؟ گوینده درباره آن چگونه می‌تواند سخن براند؟ و در وصف چنین کتاب بزرگی که حدّی برای آن متصوّر نیست چه می‌توان گفت؟

در عظمت و منزلت و افتخار و جایگاه این کتاب، همین بس که در میانه دو جلد این کتاب، کلام امامان معصوم علیهم‌السلام بیان شده و پرده‌برداری از مشکلات و توضیح معانی آن به دست متفکری بشری افزوده شده که به فهم این کتاب و روشنگری اسرار و فراگیری انوار آن عنایت داشته است؛ چرا که موضوعات شریف آن، هدایت بشر را در همه شئون و در همه نسل‌ها و دوره‌ها متکفل شده است. این کتاب مرجع محدّث، راهنمای پژوهشگر و حجت فقیه در مقام فتوی است. این کتاب، شاهد مثال ادیب، گمشده حکیم، ارشاد کننده واعظ، مقصد عالِم اخلاق و مرجعی برای هر مورّخ محققی است که گسترهٔ دانش وی بسیار است و علوم اجتماعی و سیاست را از آن فرا می‌گیرد. از راهنمایی‌ها و ارشادات کتاب

۱. پس از رحلت آیة الله بروجردی، مرحوم آیةالله خویی برای اتمام این کتاب شریف گروهی را مأمورکرد که این گروه کتاب را به پایان رساندند و متن کامل کتاب را در ۲۶ مجلد به چاپ رساندند. یکی از افراد مهم این گروه مرحوم آیة الله شیخ اسماعیل معزی ملایری بود. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

بحارالانوار این است که اسرار خلقت و نوامیس آفرینش را پرده‌برداری می‌کند، چرا که همه این معانی در کلام امامان معصوم علیهم‌السلام یافت می‌شود. به علاوه اینکه تلاش مؤلف آن قابل تقدیر است و جهاد او که در راه تألیف آن صرف کرد و سختی‌هایی که در مسیر تألیف آن تحمل کرد، ستودنی است.

مؤلف پرتوهایی از انوار علوم و فنون را بر جان و دل علما افکند. به عنوان مثال، کتاب السماء والعالم مشتمل بر احوال عناصر و زاد و ولد و غیره است و این مطلب بر محقق نقّاد و روشنگر پنهان نیست. انصاف نیست که دیگران را در هر موضوع و در هر مقام و جایگاه علمی و دانش و حرفه که باشند، به تکلّف بیندازیم و مدعی بشویم که کتاب بحار، شامل همه مزایا و خالی از هر نوع نقص می‌باشد؛ در صورتی که این خصوصیتِ بی‌نقص بودن فقط شأن خدای علّام الغیوب و جایگاه مخصوص قرآن است.

شایسته است که این کتاب را بزرگترین موسوعه علمی در شیعه امامیه و یا به تعبیر جدید، دائره المعارف شیعه بدانیم.

سخنی در بارهٔ سفینهٔ البحار

از آنچه در باره توصف بحار بیان کردیم، وضعیت «سفینه البحار» نیز آشکار می‌شود؛ چرا که سفینه، فهرست و تلخیص مطالب آن کتاب است. امتیاز و ویژگی سفینة البحار بر بحارالانوار، به آراستگیِ نظم و ترتیب و سهولت دسترسی آن است. سفینه همانند یکی از معجم‌های نوین پژوهشگر را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به گمشده‌اش می‌رساند. بلکه حق آن است که سفینة البحار، خودش تألیف مستقلی است و مؤلف آن رحمه الله با خوش‌سلیقگی و بینش و درایت و ذکاوت بسیار، مطالب متنوع و مختلفی را در اکثر علوم - علی الخصوص در رجال، تراجم و تاریخ حتی تا عصر حاضر را به اصل کتاب بحار الانوار افزوده است و در ذیل هر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

ماده ای (مدخل) هر آنچه را که شایسته بوده و با آن تناسب داشته آورده است، به گونه‌ای که این کتاب، اهمیت و شأن و جایگاه خاصی در نزد اهل علم پیدا کرده است.

صاحب سفینه البحار کیست؟

مؤلف سفینة البحار، عالمِ عامل، فاضلِ کامل، محدثِ متبحّر، خبیرِ ماهر، مورّخِ آگاه، پرهیزکار، زاهدِ عابد، حاج شیخ عباس بن محمدرضا بن ابی‌القاسم القمی یکی از بزرگان شیعه و از محدثین خلّاق و قوی در حدیث و ادب و تاریخ است. وی یکی از چهره‌های شاخص این قرن است که گستردگی شهرت و آوازه‌اش در تسلط کامل بر حدیث و جایگاه رفیع ایشان در فضل و دیانت و تقوی به قدری روشن است که به هیچ‌گونه توضیح و تفسیر مدح نیاز ندارد و در نزد اهلش شناخته شده است. او محدّثِ محققِ مبتکر، بسیار پژوهنده ژرف‌نگر، از نوابغ جامعه اسلامی است، و یگانه و نابغه بی‌مانندی است که روزگار به مثل او نخواهد آورد.

ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی

صاحب سفینه در درجه عالی زهد و تقوی و اِعراض و دوری از زخارف دنیوی قرار دارد؛ علم را با عمل، و قول را با فعل در آمیخته، به گونه‌ای که علیرغم اختلاف دیدگاه‌ها در جامعه، برای قول و فعلش اثر عجیب و شگفتی در تربیت مردم، حتی در بین خواصّ و علما قایل بودند. وی آیت و نشانه‌ای از ایمان و ورع و خلوص در عمل به شمار می‌رود. گواه بر این خصوصیات، تألیفات ایشان است که امروز در نزد ما موجود است. تمام نگاشته‌های این عالِم وارسته در بین مردم محبوب شده است و همه طبقات علمی به آن رغبت نشان می‌دهند.

در اینجا، ناگزیر از ذکر داستانی هستم که خود ایشان در کتاب الفوائد الرضویه ص ۴۵۳ در ذیل ترجمه صاحب جواهر به عنوان تأیید بر آنچه بیان کردیم، آورده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

است. ایشان بیان می‌کند:

«شیخ بزرگوار ما فقیه دوران شیخ محمدحسن آل یاسین کاظمی از شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب مشهور جواهر الکلام در موضوع انگیزه تصنیف جواهر برای من چنین نقل کرد: هنگامی که استاد من صاحب جواهر به من امر کرد تا در کاظمین سکونت گزینم و در آنجا به ترویج و تبلیغ دین بپردازم، به ایشان گفتم: امیدوارم که شما برای حاج علی بن حاج محسن پوست فروش تاجر معروف در کاظمین یادداشتی بنویسی تا برخی از مجلدات جواهر الکلام را که در نزد ایشان است به من امانت بدهد. شیخ گفت: سبحان الله! کتاب جواهر الکلام طوری شده که تاجران را متحول می‌گرداند. بخدا ای فرزندم! من کتابی ننوشتم که مردم به آن مراجعه کنند، بلکه من آن را برای خودم نوشته‌ام. من گاهی به عذارات (اطراف حلّه) می‌روم، در آنجا مسائل فقهی از من پرسیده می‌شود، ولی همراه من کتابی نیست و عاجز از پاسخ هستم؛ آنگاه در آنجا بتوانم پاسخ مناسب بدهم. لذا تصمیم گرفتم کتابی بنویسم تا به هنگام نیاز محلّ رجوع خودم باشد. اگر می‌خواستم کتابی در فقه بنویسم، دوست می‌داشتم که به سبک «ریاض المسائل» میر سید علی [طباطبایی] باشد که شایسته عنوان تصنیف کتاب است.

زمانی که این مطلب را از استادمان رحمت الله علیه شنیدم، گفتم: سبحان الله! در شگفتم از دو نکته در مورد جواهر: یکی توفیق وی در اتمام شرح[1]، دوم رواج آن تا این حدّ از اعتبار. و اکنون تعجب من برطرف شد. سپس گفت چگونه برطرف شده است؟ گفتم: این سخن شما گواه این است که صاحب جواهر، زمانی که در حال تدوین کتاب خود بوده، هرگز در ذهن او ذره‌ای از لوازم جاه‌طلبی و حب مقام و تمایل به تعریف و تمجید نبوده است، بلکه آن را برای رفع نیاز خود نوشته

۱. جواهر الکلام، شرحی گسترده و کامل بر کتاب «شرایع الاسلام» نوشته محقق حلّی (متوفی ۶۷۶) است. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

بود و لاغیر. و دلیل آن دو شگفتی - یعنی: ۱. اتمام آن، ۲. گسترش و رواج آن بدون رقیب - همین نکته است.

شیخ که رحمت خدا بر او باد، گفت: راست گفتی؛ اغلب نیت‌ها و انگیزه‌ها مغشوش است، و لوازم و تبعات خاصّ خودش را به همراه دارد. شیخ فقیه در مورد وثوق شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر [کاشف الغطاء] نقل کرده که در زمان تصنیف جواهر الکلام، حدود بیست نفر از علماء مشغول به نوشتن شرح بر کتاب شرایع الاسلام بودند، ولی به جز جواهر هیچ یک به اتمام نرسید و منتشر نشد و این از بهرهٔ نیکو و توفیق ویژهٔ او بود».

از آنچه نقل کردیم، مشخّص شد که خلوص نیّت و خالی بودن عمل از شائبه ریا، در رواج و نشر کتاب و مقبولیت عمومی آن نقش اساسی داشته است. شیخ عباس قمی نیز یکی از مصادیق خلوص است. در سفینه البحار ج ۱ ص ۴۰۸ از «مختصر الاحیاء» شیخ شرف الدین بن مونس شارح التنبیه در باب اخلاص روایت شده است: «انّ من اخلص لله تعالی فی العمل و ان لم ینو ظهرت آثار برکته علیه و علی عقبه الی یوم القیامة»؛ هر کس عملش را برای خدا خالص گرداند، آثار برکات آن عمل بر او و بر دودمانش تا روز قیامت آشکار خواهد شد، هرچند خودش نخواهد.

خلاصه اینکه شیخ عباس قمی شخصیتی است که خداوند سبحان او را به عنایات خود اختصاص داده و از طریق آن به بسیاری از بندگانش برتری داده است. شایسته است که در شمار یکی از بزرگترین فضیلت‌های شاخص و یکی از برترین اعمال وی که در همه عمرش قابل ستایش است، به نشر و گسترش پرچم‌های (مشعل) هدایت اشاره کنیم که مردم بسیاری به هدایت‌ها و راهنمایی‌های درخشان او، راه سعادت و سبیل محکم هدایت را درک کردند و راه مستقیم را پیمودند که همه آنها به نیکی در تاریخ ثبت شده و صحیفه‌ها به ذکر آن نورانی شده و سطور با آن مزین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

شده‌اند.

مشایخ شیخ عباس قمی در قرائت و روایت

همچنان که مؤلف خودش در کتاب‌های مختلفش تصریح می‌کند، در اوایل جوانی مقدمات علوم را نزد برخی از علمای قم خوانده است. در سال ۱۳۲۶ق. به نجف اشرف سفر می‌کند؛ در آنجا در بحث و درس علامه محقق حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک حضور می‌یابد، شب و روز و در حضر و در سفر ملازم خدمت ایشان می‌شود، از بحث‌ها و درس‌های فراوان استاد بهره می‌برد و در مقابله اجزاء مستدرک الوسائل با ایشان همکاری و کمک می‌کند. محدث قمی در اواخر عمر استاد، از ایشان درخواست اجازه می‌کند و در روز جمعه ششم ماه ربیع الاول ۱۳۲۰ق. در کوفه متبرکه در ساحل فرات در نزدیکی پل، این اجازه صادر می‌شود، همچنان که قمی تصریح کرده است (الفوائد الرضویه ص ۱۵۳). از عبارت ایشان مشخص می‌شود که اجازه محدث نوری شفاهی بوده است. همچنین ایشان به اجازه از سید علامه رجالی، خبیر مصنف کثیر التألیف سید حسن صدر کاظمی صاحب «تکملة امل الآمل» و «تأسیس الشیعه الکرام لفنون الاسلام» اشاره می‌کند، همچنانکه خودش در فوائد الرضویه ص۱۲۳ به آن تصریح کرده است.

من هم به همین صورت از شیخ عباس قمی به واسطه جمعی از اساتید خودم – که از جمله ایشان زعیم بزرگ در قم، علامه سید صدر الدین صدر است - نقل می‌کنم که ایشان از محدث قمی نیز اجازه دریافت کرده، همچنان که در اجازاتش به آن تصریح کرده است.

از ویژگی‌های شیخ عباس قمی، مهارت کامل ایشان در قرائت خطوط کوفی است، همچنان که استاد روایت ما- علامه مصنف بسیار نویس که شهرتش آفاق را فرا گرفته – سیدمحسن امین عاملی در جزء۱۳ مجلد۱۴ از چاپ اول کتاب ارزشمند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

و دائرة المعارف سودمندش اعیان الشیعه صفحه۳۷ به آن تصریح کرده و ترجمهٔ عبارت او چنین است:

«و در مرآة الزمان می‌گوید: سکینه در مدینه شریفه وفات می‌یابد و در همه کتب تاریخی در دسترس وفاتش را در شهر مدینه ذکر کنند، بر عکس آنچه عامه می‌گویند ایشان در خارج مکه در بارگاهی در زاهر در مسیر عمره دفن شده است»

سید محسن امین می‌افزاید: «قبر منسوب به سکینه در دمشق در مقبره باب الصغیر صحیح نیست، به دلیل اجماع مورخان که ایشان در مدینه دفن شده است. در کنار این قبرِ منسوب به ایشان در دمشق، صندوقچه‌ای چوبی پیدا شده است که آیهٔ الکرسی به خط کوفی مشجّر بر روی آن کتابت شده است که من آن را دیده‌ام. شخصی موثق و عادل پرهیزگار زاهد عابد، شیخ عباس قمی نجفی که وی مهارت در خواندن خطوط کوفی را دارد، در ماه رجب یا شعبان ۱۳۵۶ در دمشق به من اطلاع داد که نام کتابت شده در آخر نوشته‌ای که بر روی آن صندوق است، بدون شک و تردید سکینه بنت الملک است. و بعد از لفظ ملک شکستگی دارد، پس آن قبر مربوط به یکی از دختران پادشاهان است که به سکینه نامگذاری شده است».

همچنین از جمله کسانی که مؤلف از محضر ایشان استفاده کرده و برایشان قرائت کرده، شیخ علامه متبحّر محقق، جامع معقول و منقول، شیخ فتح الله مشهور به شیخ الشریعه اصفهانی است، همچنان که در دو کتاب خود، فوائد الرضویه ص ۳۴۵ و سفینه البحار ج ۱ ص ۶۹۵ به آن تصریح کرده است.

مسافرت‌ها

از زمان تولدش تا سال ۱۳۱۶ق. در زادگاهش قم بود، سپس به نجف اشرف نقل مکان می‌کند و در آنجا تا سال ۱۳۱۸ ساکن می‌باشد. بعد از آن برای ادای فریضه حج به مکه می‌رود، سپس از طریق مسیر فارس و شیراز به اصفهان و قم بازمی‌گردد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

و مدت زمان کمی در آنجا اقامت می‌گزیند، بعد به نجف برمی‌گردد و ملازم استادش محدث نوری می‌شود تا زمانی که محدث نوری در سال ۱۳۲۰ وفات می‌کند. بعد از وفات استادش همچنان به مدت چندین سال در نجف می‌ماند، پس از آن به قم باز می‌گردد، و تا سال ۱۳۲۹ در قم می‌ماند. بعد برای نوبت دوم عازم سفر حج می‌شود و مجدداً به قم باز می‌گردد. چند سالی در آنجا می‌ماند و سپس به مشهد مقدس رضوی سفر می‌کند و تا سال ۱۳۴۶ ق. در آنجا می‌ماند. بعد به نجف رفته و در آنجا می‌ماند تا زمانی که [سال ۱۳۵۹ق.] وفات می‌یابد.[۱] رحمت خدا بر او باد.

تألیفات ارزشمند

ایشان در طول حیاتش، کتاب‌های ارزشمند بسیاری در موضوعات مختلف تألیف کرد و بیشتر آنها بارها به چاپ رسیده‌اند و هرکدام از آنها بهره وافری از شهرت و مقبولیت در نزد عامه مردم پیدا کرد، فهرست عناوین کتاب‌های ایشان به ترتیب حروف الفبا چنین است:[۲]

۱. الادعیه المنتخبه، چاپ ۱۳۶۱ ق. چاپ سنگی، تهران

۲. الاربعین حدیثا، چاپ ۱۳۵۱، تهران

۳. الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، ۱۳۴۴، تبریز

۴. الباقیات الصالحات، چاپ شده در هامش مفاتیح الجنان

۵. بیت الاحزان فی مصائب السیدة النسوان، چاپ شده در تهران

۱. تفصیل در این مورد و دیگر رویدادهای زندگی پربار محدث قمی در «سالشمار محدث قمی» نوشته عبدالحسین طالعی آمده است. این مقاله در مجموعهٔ «محدث ربانی» آمده که همزمان با همایش بزرگداشت محدث قمی (قم، ۱۳۸۹ شمسی) درج شده است. مترجم.

۲. کتابشناسی کامل و آخرین چاپها و نسخه‌های خطی و ترجمه‌ها و اقتباس‌های مرتبط با آنها (تا سال ۱۳۸۹ شمسی) در مجموعه «محدث ربانی» آمده است. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

۶. تتمةالمنتهی فی وقایع ایام الخلفاء چاپ ۱۳۲۵ش.

۷. تتمیم تحیِة الزائر چاپ ۱۳۲۷ق. تهران

۸. تحفةالاحباب فی نوادرآثارالاصحاب چاپ ۱۳۶۹ق.

۹. التحفة الطوسیّةوالنفحةالقدسیّةچاپ ۱۳۳۷ق.تهران

۱۰. ترجمه جمال الاسبوع سید بن طاووس چاپ شده در هامش مقالات العلیّة

۱۱. حکمة بالغة و مأةکلمة جامعة چاپ ۱۳۳۲ق. تهران

۱۲. الدرةالیتیمة فی تتمّمات (تتمیم) الدرةالثمینة که شرح نصاب فاضل یزدی است چاپ ۱۳۱۶ق.

۱۳. ذخیرةالابرار فی منتخب انیس التّجار چاپ ۱۳۳۰ق. در بغداد همراه با جلد دوم غایةالقصوی.

۱۴. رسالة فی الکبائر والصغائر. چاپ تهران

۱۵. رسالة دستورالعمل. چاپ تهران ۱۳۵۹ق.

۱۶. سبیل الرشاد فی اصول الدین. چاپ قم

۱۷. سفینةالبحار و مدینةالحکم و الآثار که از بهترین تألیفات ایشان است. بر اساس آنچه فاضل واعظ ملا علی خیابانی در کتاب علماء معاصرین (ص ۱۸۳) به نقل از شیخ عباس قمی بدان تصریح کرده، بیشتر از بیست سال از عمر شریفش را صرف تألیف آن کرده است. پس شایسته است قدر این کتاب را بدانیم و آن را سبک نشماریم.

۱۸. غایةالقصوی فی ترجمة عروةالوثقی. چاپ ۱۳۳۰ق. بغداد

۱۹. الفصول العلیّة فی المناقب المرتضویّة چاپ قم

۲۰. الفوائد الرجبیة فی ما یتعلّق بالشهور العربیّة چاپ تهران ۱۳۱۵ ق.

۲۱. الفوائد الرضویّة فی احوال علماءالمذهب الجعفریّة. چاپ ۱۳۶۷ق. تهران

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

۲۲. کُحل البصر فی سیرة سیِّد البشر. چاپ قم ۱۳۷۷ق.

۲۳. الکنی و الالقاب فی تراجم علماءالعامّة و الخاصّة. چاپ صیدا ۱۳۵۸ق. جدّ ما سید محمد باقر خوانساری در کتاب روضات الجنات مطالب بسیاری از این کتاب عیناً نقل کرده است.

۲۴. اللئالی المنثورة فی الاحراز و الاذکار المأثورة

۲۵. ترجمه لهوف چاپ ۱۳۲۳ق.

۲۶. مختصرالابواب فی السنن والآداب. مکرر چاپ شده است. تلخیص حلیةالمتقین علامه مجلسی است.

۲۷. مختصر انیس التّجار. چاپ بغداد

۲۸. ترجمه مصباح المتهجّد. چاپ ۱۳۴۷ق. تهران

۲۹. مفاتیح الجنان. این کتاب بقدری در ایران و سایر بلاد مشهور شده که قابل توصیف نمی‌باشد، در هر خانه شیعه امامیه یک یا چند نسخه از این کتاب یافت می‌شود.

۳۰. المقالات العلیّة فی موجبات السعادة الابدیّة چاپ ۱۳۳۰ق. تهران. مختصر معراج السعادة شیخ احمد نراقی.

۳۱. المنازل الآخرة والمطالب الفاخرة. چاپ شده در تهران و نجف

۳۲. منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل چاپ ۱۳۴۴ق. تهران. مکرر چاپ شده است.

۳۳. نزهة النواظر فی ترجمةمعدن الجواهر. چاپ تهران

۳۴. نفثة المصدور فی ما تجدّد به حزن یوم العاشور. چاپ تهران ۱۳۴۲ق.

۳۵. نَفَس المهموم فی مقتل الحسین المظلوم. چاپ ۱۳۳۵ق. تهران

۳۶. هدایةالانام الی وقایع الایام چاپ ۱۳۵۱ق. تهران

۳۷. هدایةالزائرین و بهجةالناظرین. چاپ ۱۳۲۴ق. تهران

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

۳۸. هدیّةالاحباب فی ذکرالمعروفین بالکنی و الانساب والالقاب. چاپ ۱۳۴۹ق. نجف اشرف.

این‌ها فهرست کتب چاپ شده و منتشر شده ایشان است. تعدادی از تألیفات ایشان نیز همچنان به صورت مخطوطات در نزد ورثه‌اش باقی مانده است، مانند: کتاب‌های: الکشکول، الدرّالنظیم فی لغات القرآن العظیم، نقد الوسائل یا تتمیم بدایة الهدایة، شرح وجیزه شیخ بهایی، فیض القدیر فی ما یتعلق بحدیث الغدیر که مختصر مجلد الغدیر از کتاب عبقات الانوار است، علم الیقین فی مختصر حق الیقین، مقالید الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة، مقلاد النجاح، شرح کلمات قصار امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه، مختصر الشمائل، قرة الباصرة فی تاریخ الحجج الطاهرة.[1]

همچنین ایشان تألیفاتی داشته‌اند که در ضمن سرگذشت خودش در کتاب فوائد الرضویه (ص ۲۲۲) به نام آنها تصریح کرده است، ولی در حال حاضر مفقود می‌باشند.

ولادت و وفات

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ در قم متولد شد و بعد از گذشت ۶۵ سال از عمر شریفش در نیمه شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجة ۱۳۵۹ در نجف اشرف وفات یافت. در پایین پای قبر استادش محدث نوری صاحب مستدرک در ایوان سوم سمت راست - برای کسی که از باب القبله به سمت صحن شریف حضرت امیر علیه‌السلام داخل می‌شود - به خاک سپرده شد که من در آنجا مشرف به زیارت قبرش شدم. گروهی از شعرا در رثای وی مرثیه سرودند؛ از جمله آنها دوست ادیب ما، فاضل

۱. این مقاله در سال ۱۳۸۲ قمری نوشته شده که در آن زمان، بیشتر این کتابها چاپ نشده بود. پس از آن تاریخ، بیشتر یا تمام این کتابها به چاپ رسیده است که در منابع کتابشناسی و مجموعه «محدث ربانی» و مجلد یازدهم کتاب «مفاخر اسلام» نوشته مرحوم استاد علی دوانی به تفصیل آمده است. مترجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

و پرهیزگار معاصر حاج شیخ علی اکبر مروج الاسلام خراسانی که در کتابش هدیهٔ المحصلین ص ۵۵ چنین سروده است:

چون مروّج با دل محزون بطبع　　گفت سال رحلتش بنما بیان

طبع پا اندر میان بنهاد و گفت　　با مفاتیح الجنان شد در جنان

۱۳۵۹ =۷۰ (ع) + ۱۲۸۹

[عدد مصرع دوم، ۱۲۸۹ می‌شود. از مصرع اول - پای طبع - حرف ع به دست می‌آید و به عدد مصرع دوم اضافه می‌شود].

و چه زیبا گفته و با طبع دقیقش نیکو سروده است.

شیخ عباس قمی علاوه بر علم بالا و فضیلت والا، دو فرزند فاضل نیز از خود به یادگار گذاشت: عالم فاضل حاج میرزا علی محدث‌زاده و آقا شیخ محسن. خداوند آنها را سلامت بدارد و به آنچه دوست می‌دارد و مورد رضایتش است، موفق بدارد.

منابع شرح حال

شرح حال و توصیف او به گونه‌ای که شایسته وی باشد در لابلای بسیاری از مراجع سرگذشتنامه‌ها یافت می‌شود؛ همچون: احسن الودیعة فی اشهر مشاهیر مجتهدی الشیعة تألیف سید علامه جامع، متبحرِخبیرِ پرهیزگار، پسر دائی ما آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمی مقیم در کاظمین و یکی از سرشناسان و زعمای بزرگ کاظمین؛ اعیان الشیعة؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ ریحانة الادب؛ علماء معاصرین؛ مصفّی المقال فی مصنفی علم الرجال؛ مؤلفین کتب چاپی. همچنین شرح حال ایشان در کتب خودش نیز یافت می‌شود مانند: سفینة البحار؛ فوائد الرضویه؛ الکنی و الالقاب؛ هدیة الاحباب. به علاوه مفصل‌تر از همه این منابع، کتاب بزرگ ما «المستدرکات علی روضات الجنات» که با اصل کتاب روضات در شرف چاپ است، و ما بیان ارزشمندی پیرامون

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]

شیخ عباس قمی در آن کتاب آورده‌ایم.

پایان بحث

در پایان بحث ناگزیر به این نکته متذکر می‌شویم که نظر به اینکه نسخه‌های این کتاب (سفینة البحار) با وجود کثرت مشتاقان، نایاب شده است، دو جوان خیّر متدین که در نشر آثار دینی توفیق دارند، اقدام به چاپ مجدد و نشر آن نموده‌اند. آقا میرزا داود شیرازی مدیر کتابفروشی سنایی در طهران و شریک وی آقا میرزا حسین که خداوند در انجام کار خیر به آنها توفیق دهد و موفقیت مستمر را برای آنها آرزو داریم.

بندهٔ حقیر میرسید احمد روضاتی این مقدمه را در تاریخ ۲۵ ذی الحجة الحرام ۱۳۸۲ به پایان رساند. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.5.7]